



مرکز تحقیقات اسلامی


اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



تساوی حقوق زنان

ا.س *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تساوی حقوق زنان

نویسنده:

ا. س

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	تساوی حقوق زنان
۶	مشخصات کتاب
۶	تساوی حقوق زنان
۶	توجیحات غیر قابل قبول
۸	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تساوی حقوق زنان

مشخصات کتاب

مؤلف: ا. س

تساوی حقوق زنان

از جمله تعالیم بهائیان که بسیار بر آن تبلیغ می‌کنند «تساوی حقوق زنان و مردان» است. آنها چنین جلوه می‌دهند که دیگر ادیان مساوات بین زن و مرد را در نظر نگرفته‌اند ولی بهائیت تساوی را بطور کامل برقرار کرده است. منتقدین با بررسی مختصر، خلاف این ادعا را در نظامات بهایی مشاهده می‌کنند از جمله در عضویت زنان در نظام مدیریت اصلی و تقنینی بهایی که زنان اجازه ورود ندارند و در بحث تفاوت ارث زن و مرد و در بحث مهریه زن شهری و تفاوتش با زن روستایی و... لذا مورد سوال واقع می‌شوند که: اگر زن و مرد در بهائیت برابرند چرا زنان نمی‌توانند به عضویت بیت العدل در آیند و این پست که مقامش به اعتقاد بهائیان «مصونیت از خطا» است در انحصار آقایان است؟! این توهین به زنان نیست که آنان را نامساوی با مردان شمرده از تصدی یک پست معنوی محروم کرده به بیت العدل راه نداده‌اند و تلوّیحا آنها را بر خلاف مردان ناکارآمد و خطا پذیر و ناتوان از اداره بهائیت در اسرائیل قلمداد کرده‌اند؟! و نیز سوال می‌شود چرا در بهائیت نه تنها زنان حق شرکت و عضویت در بیت العدل را ندارند، بلکه در سهم الارث نیز از مردان عقب‌ترند. به علاوه نه تنها میان زنان و مردان تساوی حقوق وجود ندارد، حتی میان زن روستایی و شهری هم تفاوت وجود دارد: مهریه‌ی زن روستایی برابر با نوزده مثقال نقره است و مهریه‌ی زن شهری نوزده مثقال طلا! ممکن است در این مورد هم توجیه کنند که چون مخارج زن شهری بیشتر از زن روستایی است، مهریه‌اش هم سنگین‌تر است. مانعی ندارد هر توجیهی دوست دارند بکنند، مهم آن است که دست از ادعای تساوی حقوق نساء و رجال بردارند. بهائیان کتابی دارند به نام «گنجینه‌ی حدود و احکام». این کتاب که احکام بهایی در آن درج شده است از صفحه‌ی ۱۶۷ تا صفحه‌ی ۱۷۱ بحث مهریه را آورده است: «از مهریه سؤال نموده بودی. این از احکام حضرت اعلی (یعنی سید باب) است به کتاب اقدس تجدید شده است و آن این است که اهل مدن باید طلا بدهند و اهل قری فضه و این بسته به اقتدار زوج است اگر فقیر است یک واحد می‌دهد و اگر اندک سرمایه دارد دو واحد می‌دهد و...»

توجیهات غیر قابل قبول

این تناقض فاحش خون بهائیان متعصب را به جوش آورده به دنبال راه فرار گشته می‌گویند: ملاک تعیین مهریه سکونت مرد است نه زن. یعنی با توجه به توانایی مرد شهری یا روستایی مهر انتخاب می‌شود نه زن روستایی یا شهری: «اهل مدن باید طلا بدهند و اهل قری فضه و این بسته باقتدار زوج است». حداقل و حداکثری برای مهریه انتخاب کرده‌اند. که حداقل آن برابر ۱۹ مثقال نقره می‌باشد که فکر کنم در حدود ۱۵۰۰۰ تومان می‌باشد. مردی که در روستا زندگی می‌کند به علت در نظر گرفتن مسائل اقتصادی، با توافق با همسر خود مهریه‌ی خود را بین ۱۹ مثقال نقره (۱ واحد نقره) تا ۹۵ مثقال نقره (۵ واحد نقره) تعیین می‌کنند. مردانی نیز که در شهر سکونت دارند نیز از یک تا پنج واحد طلا را انتخاب می‌کنند. اما این توجیه نامربوط است زیرا به صراحت مهریه‌ی زن روستایی برابر با نوزده مثقال نقره و مهریه‌ی زن شهری نوزده مثقال تعیین شده و دینی که گفته «ممکن نیست سعادت عالم انسانی کامل گردد مگر به مساوات کامله‌ی زنان و مردان» (به نقل از نظر اجمالی در دیانت بهایی نوشته‌ی احمد یزدانی ص

۴۷ از بهاء‌الله. در ضمن این کتاب مورد تأیید جناب شوقی ربانی است) اگر قرار است مساوات کامله میان زنان و مردان برقرار باشد چرا میان مهریه ی زن شهری و روستایی و نیز سهم الارث میان زن و مرد متفاوت است؟ در همان گنجینه ی حدود و احکام مثلا سهم پدر ۴۲۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم است و سهم مادر ۳۶۰ سهم و نیز سهم برادر ۳۰۰ و سهم خواهر ۲۴۰ و به علاوه خانه مسکونی و لباس های مخصوص میت هم متعلق به فرزند ارشد پسر است. (گنجینه ی حدود و احکام ص ۱۱۸ تا ۱۲۵) اینک بفرمایید این مساوات کامله چگونه حاکم شده است؟! چرا حقوق نساء و رجال به طور مساوات کامل به فرموده ی حضرت بهاء‌الله در سهم الارث و نیز تفاوت مهریه ی زن روستایی و شهری (با توجه به اقتدار زوج و سکونت او) رعایت نشده است؟! بحث بر سر این نیست که حداقل و حداکثر مهریه چقدر باشد. ممکن است زن و مرد در مورد مهریه به یک شاخه نبات توافق کنند. بحث بر سر آن است که چرا زن روستایی مبنای مهریه اش نقره است و زن شهری طلا! این را روشن بفرمایند. مجددا عین عبارت گنجینه ی حدود و احکام را نقل نموده و مجددا یاد آوری می کنم که سخن در آن نیست که حداقل و حداکثر مهریه چقدر باشد، سخن در آن است که چرا میزان و معیار مهریه ی زن روستایی و زن شهری تفاوت دارد. ممکن است یک روستایی بسیار ثروتمندتر از یک کارمند جزء شهری باشد و بخواهد نوزده مثقال طلا مهریه ی زنش بکند. مانعی دارد یا ندارد. عرض نمی کنم بیش از نوزده مثقال چون معیار را نوزده مثقال قرار داده اند بسیار خوب من در آن حرفی ندارم چون هر آئینی چنان که عرض کردم برای خودش مقرراتی دارد. عرض بنده در آن است که چرا معیار مهریه ی زن روستایی نقره است و زن شهری طلا. همین. حالا به عبارت گنجینه توجه و قضاوت فرمایید: در کتاب اقدس نازل قوله تعالی: لا يحقق الصهار إلا بالأههار. قد قدر للمدن تسعة عشر مثقالا من الذهب الأبريز و للقرى من الفضة. و من اراد الزيادة حرم عليه أن يتجاوز عن خمسة و تسعين مثقالا. كذلك كان الأمر مسطورا. دامادی تحقق نمی یابد مگر به مهر (یعنی دادن مهریه واجب است) برای شهرها نوزده مثقال طلا و برای روستاها نقره قرار داده شده است. و هر کس که بخواهد بیشتر بدهد حرام است که از نود و پنج مثقال تجاوز کند. این چنین است که امر (مهریه) نوشته شده است. جناب عبدالبهاء هم در توضیح این حکم اقدس چنین گفته است: از مهریه سؤال نموده بودی. این از احکام حضرت اعلی است، به کتاب اقدس تجدید شده است. و آن این است که اهل مدن باید طلا بدهند و اهل قری فضا. و این بسته باقتدار زوج است. اگر فقیر است یک واحد می دهد و اگر اندک سرمایه دارد، دو واحد می دهد، اگر با سر و سامان است، سه واحد می دهد؛ اگر از اهل غناست، چهار واحد می دهد و اگر در نهایت ثروت است، پنج واحد می دهد. فی الحقیقه بسته به اتفاق میان زوج و زوجه و ابوبن است. هر نوع در میان اتفاق حاصل شود مجری است... انتهی. اگر دنباله ی مسائل و احکام این باب را ملاحظه بفرمایید تماما همین گونه توضیحات است و در هیچ یک از آن ها از این مسأله عدول نشده است که شهری طلا و روستایی نقره باید بدهد. بله در اندازه یک یا دو... مثقال سخن به میان آمده است ولی در باره ی نقره و طلا هیچ اذنی داده نشده است. سؤال این است چرا مهریه ی زن روستایی یک یا دو یا سه... یا حداکثر نود و پنج مثقال نقره است و زن شهری یک و یا حداکثر نود و پنج مثقال طلا؟ این را پاسخ بفرمایند. به هر حال سوال این است: چرا مهریه زنان روستایی نقره و مهریه ی زنان شهری طلاست؟ حداقل یک و حداکثر نود و پنج مثقال آن مهم نیست مهم نقره و طلا بودنش است؟! هر چقدر هم که سعی کنند مهریه را به شهر و روستا حمل کنند نه زن و مرد تا تبعیض را ببوشانند فایده ای ندارد و راه گشا نیست. درست است که گفته اند: قناعت به درجه ی اولی (یعنی نوزده مثقال نقره) احسن و اولی، لذا محدود نمودن مهر به ذهب در مدن جائز نه (گنجینه ی حدود و احکام صفحه ی ۱۷۱) اما باز این سؤال هنوز برجاست: چرا (و لو به دلخواه) مهریه زن روستایی نقره و مهریه زن شهری طلاست؟ نکته ی پایانی هم آن است که به هر حال بهائیان این دین را پذیرفته اند و احکامش را هم اجرا می کنند. بحث تناقض برخی احکام با برخی از اصول و تعالیم بهائیت است چرا: «حداقل برای روستائیان و شهریان یک واحد نقره (هر واحد برابر ۱۹ واحد نقره است) و حداکثر برای روستائیان پنج واحد نقره یعنی ۹۵ مثقال نقره و حداکثر برای شهریان پنج واحد طلا یعنی ۹۵ مثقال طلا می باشد.» چرا برای شهریان طلا و یا نقره

است ولی برای روستائیان فقط نقره؟ چرا میان مهریه ی زن روستایی با زن شهری تفاوت وجود دارد؟ صریحا بفرمایند: آیا زن روستایی می تواند به عنوان مهریه نود و پنج مثقال طلا تقاضا کند یا خیر؟ (مسلم پاسخ در بهائیت خیر است) حال با توجه به کلمه و معنای «مساوات» و «کامل» بفرمایند: ۱- چرا میان مهریه ی زن و روستایی و زن شهری فرق است؟ ۲- چرا سهم الارث زن و مرد فرق دارد؟ ۳- چرا زنان حق ندارند عضو بیت العدل باشند؟

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

(و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

(ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

(ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

(ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

(ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بپدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

